

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: جو آلن
برگردان از: نیکوپوروزان
۲۹ اکتوبر ۲۰۱۶

ویتنام: جنگی که ایالات متحده در آن به زانو درآمد

۶

از سرنگونی دنیم تا عملیات تهاجمی تت^۱

از پایان جنگ جهانی دوم تا سال ۱۹۶۵ ایالات متحده تلاش می‌کرد که تا بدون استفاده وسیع از نیروهای نظامی خویش مانع از پیروزی نیروهای ملی در ویتنام گردد. حاکمیت ایالات متحده در این مسیر ابتداء به حمایت از استعمار فرانسه در تلاش نافرجامش برای باز-پس گرفتن مستعمره سابقش برخاست که تحت رهبری ویت مین در انتهای جنگ جهانی دوم اعلام استقلال نموده بود. به دنبال شکست فرانسوی‌ها در نبرد دئین بئین فو در سال ۱۹۵۴ ستراتیژی ایالات متحده تقسیم کردن ویتنام به دو بخش در امتداد مدار هفده درجه و ایجاد یک دولت ضد-کمونیست به دور شخصیت انگو دین دنیم در پاره جنوبی آن بود.

در قرارداد ژنیو تصریح شده بود که کشور بلافاصله پس از انتخابات ملی یک پارچه خواهد شد. سیاست ایالات متحده، در عوض، این بود که مدار هفده درجه را به یک خط تقسیم دائم تبدیل سازد. همان گونه که مرلین یانگ اشاره می‌کند، در تبلیغات ایالات متحده در دفاع از مداخله‌اش در ویتنام "مردمی که در شمال مدار هفده درجه زندگی می‌کردند نسبت به ساکنین ویتنام جنوبی از امریکائی‌ها هم بیگانه‌تر قلمداد شده، به اصطلاح به این دلیل که گویا امریکائی‌ها میهمان‌هائی دعوت شده بودند، در حالی که ویتنام شمالی کشوری دشمن محسوب می‌شد."^۲ در حالی که این ستراتیژی در ابتداء موفق به نظر می‌رسید، اما در اوایل دهه شصت و پس از آن که مردم ویتنام جنوبی به طور فزاینده‌ای علیه رژیم دنیم دست به شورش زدند به کلی در هم ریخته شد.

در اواخر سال ۱۹۶۳ بود که حکومت کندی تصمیم گرفت که برای نجات رژیم سایگون از فروپاشی کامل باید دنیم را از کار برکنار سازد. دنیم و برادرش نهو^۳، که فرماندهی پولیس مخفی را در دست داشت، در طی یک کودتا که از سوی سازمان سیا و هنری گبت لاج^۴، سفیر ایالات متحده رهبری می‌شد، سرنگون شده و به قتل رسیدند.^۵ به رغم

¹ Tet

² Marilyn Young, The Vietnam Wars: 1945-1990 (New York: Harper Perennial, 1991), p. 104.

³ Ngô Đình Nhu

⁴ Henry Cabot Lodge

برکناری خانوادهٔ دنیم که چیزی جز وبال سیاسی برای واشنگتن نبود، حکومت سایگون اما کماکان سیر سرایشی را طی نموده و جنبش انقلابی به رهبری جبههٔ آزادیبخش ملی ویتنام جنوبی به طور مداوم پیش‌روی می‌کرد. بی‌ثباتی سیاسی که به دنبال برکنار کردن دنیم از راه رسید به مدت نزدیک به یک سال ادامه یافته و سرانجام به مداخلهٔ مستقیم ایالات متحده در ویتنام جنوبی در سال ۱۹۶۵ منتهی گردید.

تغییر رژیم در سایگون

ظهور رهبری فوق‌العاده می‌تواند به بهبود اوضاع کمک رساند، اما جورج واشنگتنی در چشم انداز نیست.

جنرال مکسول تیلر - سفیر ایالات متحده در ویتنام جنوبی - سپتامبر

۱۹۶۴^۶

پس از قتل کندی در نومبر ۱۹۶۳، لیندن جانسن به عنوان رئیس‌جمهور ایالات متحده منسوب شد. جانسن دو چیز مربوط به ویتنام را از دولت کندی به ارث برد. نخست، وضعیت وخامت‌بار شتابان در ویتنام جنوبی و پیروزی جبههٔ آزادیبخش ملی که در دیدرس قرار داشت. دوم، وجود گروهی از مشاورین بود که سگان دخالت‌گری فزایندهٔ امریکا در ویتنام را در دست داشته و اکنون به دنبال مداخلهٔ هر چه بیشتر و آشکارتر ایالات متحده بودند. ویلیام مک‌نامارا^۷ وزیر دفاع، دین راسک^۸ وزیر خارجه، والت راستاو^۹ و مک‌جورج باندی^{۱۰} در زمرهٔ این مشاورین بودند. این‌ها کسانی بودند که سرانجام ایالات متحده را به جنگی تمام‌عیار در ویتنام کشانند، اما، هم‌زمان در تلاش برای یافتن مردی بودند که بتواند هدایت حکومت سایگون را به دست بگیرد.

با وجود برکناری دنیم، حکومت سایگون، اما، کماکان در آستانهٔ فروپاشی قرار داشت. به دنبال قتل دنیم، یک سلسله کودتا که از سوی ایالات متحده رهبری می‌شد به تضعیف فراتر سیاسی-نظامی حکومت یاری رساند. جنرال دوآنگ وان مین^{۱۱} که به "مین بزرگ" لقب یافته بود، بلافاصله پس از دنیم به حکومت رسید. بسیاری از مردم از حکومت وی با امیدواری بسیاری استقبال نمودند. همکاری وی با نیروهای بودایی در به راه انداختن تظاهرات بزرگی علیه دنیم موجب خشم امریکائی‌ها گردید. وی زمرهٔ امکان مذاکره با جبههٔ آزادیبخش ملی را آغاز کرد. او هم چنین در توصیف حکومتش به جای استفاده از اصطلاح "ضد-کمونیست" اصطلاح "غیر-کمونیست" را به کار برده، و در عین

^۵ این که اگر کندی زنده مانده بود مداخلهٔ نظامی ایالات متحده در ویتنام را افزایش نمی‌داده افسانه ای بیش نیست که از جمله در فیلم *جان اف کندی* توسط *الیور استون* مطرح می‌شود. حتا یک آگاهی سطحی از سیاست‌های کندی به وضوح نشان می‌دهد که این چنین باوری خیالی خام بیش نبوده که ریشه در واقعیت ندارد. حکومت کندی متعهد شده بود که با فرستادن کمک‌های مالی و فنی ارتش رژیم پوسیده ویتنام جنوبی را حفظ کند. حکومت وی هم چنین متعهد شده بود که تعداد ریزن‌های نظامی ایالات متحده، تکنیسین‌های نظامی، هواپیما و هلیکوپتر با خلبان‌های امریکائی را در ویتنام جنوبی افزایش دهد. در دوران زمامداری کندی، تعداد مستشارهای امریکائی در ویتنام جنوبی از هشتصد نفر به رقم تقریبی ۱۶۰۰۰ نفر افزایش یافته و منطقه به آزمایشگاهی برای آزمون تکنیک‌های جنگی "ضد-شورش" تبدیل گردید. هیچ دلیلی برای پذیرش این نکته وجود ندارد که اگر کندی زنده مانده بود بسیاری از این تمهیدات انجام نمی‌یافت. در واقع، بسیاری از آن‌هایی که در حکومت کندی هدایت جنگ را در دست داشتند، در سمت‌های مختلف از جمله به سمت مشاور امور خارجه در دولت جانسن به کار گمارده شدند.

^۶ Young, p. 126.

^۷ William McNamara

^۸ Dean Rusk

^۹ Walt Rostow

^{۱۰} McGeorge Bundy

^{۱۱} Dương Văn Minh

حال مطرح می‌ساخت که در رابطه با اوضاع موجود جهانی گرایش به در پیش گرفتن موضع دیپلماتیک "بی طرفانه" دارد. بدیهی است که امریکائی‌ها این چنین رویکردی از یک رژیم کودتا را برنتابند.^{۱۲}

طولی نکشید که امریکائی‌ها دست به سازماندهی کودتای نظامی دیگری زدند. این بار کودتا از سوی **فرماندهی همکاری‌های نظامی - ویتنام**، سازمانی که از سوی "رایزن‌های" ایالات متحده در سراسر ویتنام سازماندهی شده بود، انجام شد. از این کودتا که در جنوری ۱۹۶۴ صورت گرفت و جنرال **نورین کان**^{۱۳} را به کار گمارد، در کتاب‌های تاریخ به عنوان "کودتای پنتاگون" یاد می‌شود. به نظر می‌رسید که **کان** همان کسی باشد که امریکائی‌ها به دنبالش بوده‌اند. وی در جنگ علیه جبهه آزادیبخش ملی متعهد بوده و به نظر می‌رسید که پذیرای بی قید و شرط ستراتیژی‌های نظامی و سیاسی صادر شده از سفارتخانه ایالات متحده باشد. اما، چندان طولی نکشید که وی نیز با موج تازه‌ای از فعالیت‌های ضد جنگ روبه رو شود که از سوی بودائی‌ها و دانشجویان رادیکال ویتنام از سر گرفته شده بود. این موج فعالیت‌ها **کان** را به شدت متزلزل نموده و دیری نپایید که وی نیز شروع به سخن گفتن از امکان مذاکره‌جویی به منظور خاتمه دادن به جنگ نمود. در واقع، سازمان سیا به این نکته پی برده بود که **کان** در دسامبر ۱۹۶۴ با جبهه آزادیبخش ملی ارتباط برقرار نموده، و این که در جنوری و فیبروری ۱۹۶۵ این ارتباط جدی‌تر شده بود. پر واضح بود که او هم باید کنار زده شود.^{۱۴}

امریکائی‌ها تحت هدایت **مکسول تیلر**^{۱۵} فشار شدیدی را بر **کان** وارد نمودند که سرانجام وی را ناگزیر به ترک ویتنام و زندگی در تبعید در فرانسه نمود. پس از وی قدرت به حاکمیت سه نفره جنرال **نورین کانو کی**^{۱۶}، جنرال **نورین چان تی**^{۱۷}، و جنرال **نورین وان تیو**^{۱۸} رسید. در میان این سه نفر **کی** نقش رهبری را به عهده داشت که پست نخست وزیری را اشغال نمود و **تیو** وزارت کشور را در دست گرفت. **کی** تا انتخابات سال ۱۹۶۷ در این مقام باقی ماند. هر کسی که مظنون به داشتن موضع موافق با کمونیست‌ها و یا "بی طرفی" بود از شرکت در این انتخابات محروم شده و **تیو** با به دست آوردن ۳۵ درصد رأی‌ها به نخست وزیری رسید. **کی** در اوایل دهه شصت و پس از کار برای سازمان سیا در عملیات مخفی علیه ویتنام شمالی مورد توجه ایالات متحده قرار گرفت. وی که بعداً در مصاحبه‌ای با خبرنگاران گفته بود که قهرمان واقعی‌اش هیتلر بوده برای ایالات متحده مایه شرمساری شد. **کی** و **تیو** هر دو از سوی فرانسوی‌ها تعلیم داده شده و در اولین جنگ ویتنام علیه مردم خود جنگیده بودند. اگر این همه برای اثبات سرسپردگی به پای امریکائی‌ها بسنده نبود، در اول ماه مارچ ۱۹۶۵ تعهد سپردند که هرگز با جبهه آزادیبخش ملی و یا ویتنام شمالی مذاکره نخواهند کرد. آن‌ها هم چنین تعهد نمودند که در تمامی امور نظامی، سیاسی و دیپلماتیک خط مشی دیکته شده از سوی واشنگتن را پیروی خواهند نمود.^{۱۹}

اگرچه کودتاهای نظامی در طول سال‌های ۱۹۶۴ و ۱۹۶۵ سایگون را به تباهی کشانده بود، اما بحران عمیق‌تری در ویتنام جنوبی در حال شکل‌گیری بود. تا میانه سال ۱۹۶۴ ستراتیژی‌های گوناگون نظامی و سیاسی که از سوی ایالات متحده برای رویارویی با جبهه آزادیبخش ملی طرح ریزی شده بود جملگی به بن بست رسیده بودند. نیروهای

¹² George McT. Kahin, *Intervention: How America Became Involved in Vietnam* (Garden City, New York: Anchor Books, 1986), p. 182-200.

¹³ General Nguyễn Khánh

¹⁴ George McT. Kahin, pp. 203-235.

¹⁵ Maxwell Taylor جنرال بازنشسته که در زمان **کندی** به خدمت دولتی برگشته و سفیر ایالات متحده در ویتنام جنوبی بود.

¹⁶ General Nguyễn Cao Kỳ

¹⁷ General Nguyễn Chánh Thi

¹⁸ General Nguyễn Văn Thiệu

¹⁹ Young, p. 138.

"ویت کنگ" - اصطلاحی که ایالات متحده مُصرّ بود که برای نام بردن از ناسیونالیست‌ها به عنوان تحقیر استفاده کند - بین چهل تا پنجاه درصد از مناطق روستائی را زیر کنترل خود داشتند. تاکتیک‌های ضد انقلابی که به ابتکار ایالات متحده مورد استفاده قرار می‌گرفت به جای آن که رژیم را تقویت کند باعث برانگیختن توده‌های دهقانی علیه آن می‌شد. از جمله این به اصطلاح ابتکارها برنامه فاجعه‌بار هملت بود که در طی آن روستائی‌ها به زور از دهات و محل‌های سکونت‌شان رانده شده و در اردوگاه‌ها تمرکز داده شده بودند. این اردوگاه‌ها اساساً مانند بازداشتگاه اسیران بود که صرفاً به منظور جداسازی روستائی‌ها از رزمندگان جبهه ایجاد شده بود. بخش‌های بزرگی از ارتش ویتنام جنوبی تمایلی به دفاع از رژیم نداشته و گروه-گروه از قطعات‌شان می‌گریختند. ویلیام کارسن^{۲۰}، افسر نیروی بحری ایالات متحده، اذعان نموده بود که نقش رژیم دست‌نشانده ایالات متحده در ویتنام چیزی به جز "غارت مردم، جمع آوری مالیات‌های عقب مانده، بازگرداندن فنودال‌ها، و انتقام جوئی علیه مردم" نبود.^{۲۱}

جیمز گیبسن^{۲۲} وضعیت را این گونه خلاصه نمود: "روستا‌های ستراتیژیک شکست خورده بودند رژیم ویتنام جنوبی به دلیل داشتن پایگاه طبقاتی در میان زمین‌داران از کسب حمایت توده‌های روستائی ناتوان بود. در حقیقت، "رژیمی" به مفهوم یک اتحاد سیاسی به طور نسبی پایدار و بوروکراسی دایر وجود خارجی نداشت. در عوض، حکومت غیرنظامی و عملیات نظامی عملاً متوقف بود. جبهه آزادیبخش ملی پیشرفت‌های بزرگی کرده و در شرف اعلام دولت موقت انقلابی در مناطق گسترده‌ای بود.^{۲۳} اما، پیدا کردن "فرد مناسب" هم نمی‌توانست به حل مسایل بنیادینی که در نهایت به پیدایش جبهه آزادیبخش ملی و دولت ضعیف سایگون انجامید نقطه پایان بگذارد - مسایلی مانند نابرابری طبقاتی، فقدان حقوق دموکراتیک بنیادین و خواست قدرتمند مردم برای یک‌پارچه شدن دوباره ویتنام. جنگ از شکل یک جنگ نیابتی با سرمایه ایالات متحده به شتاب به سمت یک جنگ تمام عیار آمریکا در حرکت بود. حکومت کندی تا سال ۱۹۶۲ تعداد ریزن‌های نظامی ایالات متحده را به بیش از شانزده هزار نفر افزایش داده و به آن-ها اجازه شرکت در مأموریت‌های رزمی را هم داده بود. در این زمان خلبان‌های امریکائی نیز سرگرم بمباران ویتنام شمالی بودند. به رغم تمامی این تلاش‌ها، حکومت ویتنام جنوبی در جنگ علیه جبهه آزادیبخش ملی کماکان با شکست روبه رو می‌شد. به دنبال این شکست‌های پی در پی بود که اطلاعات ایالات متحده گزارش نمود که سایگون در شرف واگذاری کامل پنج ایالت شمالی کشور است.^{۲۴} سیاست‌های آمریکا در ویتنام در شرف یک تحول بنیادین قرار گرفته بود.

ادامه دارد

²⁰ Lieutenant Colonel William R. Carson

²¹ Quoted in Gabriel Kolko, *Anatomy of a War* (New York: The New Press, 1985) p. 133.

²² James Gibson

²³ James Gibson, *The Perfect War: Techno War in Vietnam* (Boston/New York: The Atlantic Monthly Press, 1986), p. 88.

²⁴ Michael Bilton and Kwvin Sim, *Four Hours in My Lai* (New York: Penguin Books, 1992), p.29.